

خانوادهٔ خوشبخت و اختلاف زوجین

ترجمه‌ی

البيت السعيد و خلاف الزوجین

تألیف:

دکتر صالح بن حمید

ترجمه:

إسحاق دبیری رحمته الله

خانواده خوشبخت و اختلاف زوجین	عنوان کتاب:
البيت السعيد و خلاف الزوجين	عنوان اصلی:
دکتر صالح بن حمید	نویسنده:
اسحاق دبیری <small>رحمته</small>	مترجم:
اخلاق خانوادگی	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری، ۱۴۳۷ قمری	تاریخ انتشار:
www.aqeedeh.com کتابخانه عقیده	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۳
رساله اول: خانواده خوشبخت.....	۵
مقدمه.....	۵
اهمیت تشکیل خانواده و الفت در زندگی زوجین.....	۶
پایه‌های تشکیل یک خانواده مسلمان.....	۷
۱- ایمان به خدا و پرهیزگاری:.....	۷
۲- معاشرت نیک و پسندیده:.....	۸
نقش شوهر در محافظت از زندگی خانوادگی و معاشرت پسندیده:.....	۸
نقش همسر در محافظت از زندگی خانوادگی و معاشرت پسندیده.....	۱۱
خاتمه.....	۱۳
رساله دوم: اختلافات زوجین.....	۱۵
اسباب اختلاف بین زوجین.....	۱۶
راه‌های حل اختلاف بین زوجین.....	۱۷
آخرین راه حل اختلافات زوجین.....	۲۱

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله وصحبه وأزواجه الأظهر
أمهات المؤمنين. وبعد.

برادر و خواهر با ایمان، خدایی را سپاس می‌گذاریم که به ما و شما توفیق داد تا آموزش‌های این دین حنیف و فقه احکام درخشان شریعت را بکاویم، بویژه در نزدیک‌ترین مسائل زندگی شخصی خود یعنی ازدواج. آیا هدف از ازدواج ساختن خانه صلح، آرامش و تقوی نیست؟ خانه نور که همان خانه ایده‌آل اسلام است با آنچه که در آن نهفته است از احکام الهی که ما را از کارهای پلید و زشت حفظ می‌کند و از لغزش‌گاههای هوس و شهوت باز می‌دارد و ما را تا آنجا بالا می‌برد که پاکی است، و با رحمت ما را در انجام مسئولیت‌هایمان در زندگی یاری می‌رساند.

برادر و خواهر با ایمان، از عوامل نیک بختی در دنیا، و رستگاری در روز رستاخیز، ژرف اندیشی در دین ماست پیش از آنکه به هر کاری بپردازیم بویژه تأمل و دقت در احکام ازدواج و شالوده‌ریزی خانه والای اسلامی است، بر این جهت و از خداوند سبحان خواستیم که ما را در پژوهش این بخش از فقه سرشار اسلامی کامیاب گرداند.

این کتاب (خانواده خوشبخت و اختلاف زوجین) بازگوکننده این روش والای اسلامی است که امید است با مطالعه آن سرمشق زندگی و کانون حقیقت خانواده باشد. ما را از دعای خیر خود فراموش نکنید.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین.

إسحاق دبیری

عربستان سعودی - ریاض:

شنبه: ۱۴۲۶/۴/۲۷ هـ. ق. برابر با ۱۴۳۸۴/۳/۱۴ هـ. ش

رساله اول: خانواده خوشبخت

مقدمه

حمد و سپاس مر خدای را که به اسلام هدایتمان کرد و از پیروان آن آئینمان قرار داد که جز به هدایت او راه نمی‌یافتیم، به جهت منزله بودنش او را حمد، و به خاطر نعماتش او را سپاس می‌گذاریم و فزونی فضل و کرم از او مسألت داریم.

و شهادت می‌دهم به وحدانیتش بدون داشتن هیچ شریکی، و شهادت می‌دهم به اینکه محمد ﷺ بنده و رسول او می‌باشد که وی را به همراه هدایت [اسلام] و دین حق برای انذار و تبشیر مبعوث کرد تا به سوی حق فراخواند و به سوی نیکی راهنمایی کند. درود و سلام خدا بر ایشان و آل ایشان و یاران‌شان باد و نیز بر کسانی که رهروان راه اویند، تا روز قیامت، اما بعد:

ای مسلمانان! تقوای خدا پیشه کنید و فرمان او را بزرگ بدارید و در حفظ دین و اماناتان بکوشید و به ادای مسئولیت‌هایتان بپردازید، در مورد خود و خانواده‌تان پرهیزگاری پیشه کنید و به اصلاح روابط بپردازید.

تعداد زیادی از مردم سعادت را می‌خواهند و خواستار راحتی و طالب آرامش و آسایش روح و روان می‌باشند همچنانکه از اسباب شقاوت، اضطراب و عوامل ناآرامی، خصوصاً در خانه و در بین خانواده گریزانند.

و باید دانست که هیچ کدام از این موارد تحقق نمی‌یابد جز با ایمان به

خدای یگانه و توکل بر او و تفویض کارها به او، به همراه استفاده درست از وسائل معیشت و پی بردن به قوانین حاکم بر این اسباب.

اهمیت تشکیل خانواده و الفت در زندگی زوجین

و از مهم‌ترین اسباب تحقیق این سعادت برای فرد و جامعه، تشکیل خانواده و برپایی آن براساس حق می‌باشد. چراکه خدای متعال با حکمت خود خانواده را جایگاه ارزشمندی قرار داده که در اختیار زن و مرد است تا در آن استقرار یابند و به آرامش برسند. خداوند - جل جلاله - به عنوان منتهی بر بندگانش می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةَ وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ﴾ [الروم: ۲۱]. «و یکی از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان شما مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند».

آری، همسر برای آرامش یافتن خلق شده، و آیه فرموده «لیسکن معها» بلکه فرموده «لیسکن إليها» تا معنی آرامش و آسایش را بیشتر و بهتر القاء کند، و راحتی و آرامش را در بالاترین معنی ممکن بیان کرده باشد. بنابراین هر یک از زوجین به هنگام اضطراب از وجود زوجش آرامش می‌یابد و به هنگام سختی شاد می‌گردد.

اساس رابطه خانوادگی: همنشینی و مصاحبت است که بر دوستی، انس و الفت استوار می‌باشد. رابطه‌ای که ریشه‌های طولانی و استوار دارد. و شبیه‌ترین چیز ممکن به رابطه انسان با خودش، همسر وی می‌باشد. و خداوند این مفهوم را چنین بیان می‌فرماید: ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾ [البقرة: ۱۸۷] «زنان لباس شما هستند، و شما لباس آنها».

علاوه بر اینکه خانواده و این رابطه خانوادگی زمینه مناسبی برای تربیت فرزندان و ضامن پرورش یک سلاله است سلاله‌ای که جز در سایه مادری دلسوز و پدیری زحمتکش معنی پیدا نمی‌کند. چه جامعه‌ای پاک‌تر از این فضای خانوادگی ارزشمند؟

پایه‌های تشکیل یک خانواده مسلمان

خواننده گرامی! مسایل فراوانی وجود دارد که نظام خانواده بر آن استوار بوده و رابطه خانوادگی از آن استحکام می‌گیرد و به وسیله آن از باد جدایی و طوفان ویرانگر از هم دور شدن و از هم بریدن مصون می‌ماند:

۱- ایمان به خدا و پرهیزگاری:

اولین و مهم‌ترین این مسائل - که پایه‌های خانواده‌اند - چنگ زدن به ریسمان محکم ایمان است. ایمان به خدا و روز آخرت و ترس از خدای آگاهی که به هر آنچه سینه‌ها در داخل خود می‌پوشانند آگاه است. و استقامت بر پرهیزگاری و محافظت بر آن و دوری از ظلم و بی‌پروایی در راه طلب حق و حقیقت.

﴿ذَٰلِكُمْ يُوعِظُ بِهِۦ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۲﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

فَهُوَ حَسْبُهُ ﴿۳﴾﴾ [الطلاق: ۲-۳]

«این (احکام) چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند، و هرکس از خدا بپرهیزد و ترک گناه کند خداوند برای او راه نجاتی قرار می‌دهد* و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد. و هرکس به خداوند توکل کند (و کار خود را به او واگذارد خدا) کفایت امرش را می‌کند».

تلاش برای اطلاعات از خدا و عبادت او و حرص بر این کار و سفارش

دو طرفه زوجین به این کار باعث تقویت ایمان می‌گردد، جا دارد در این فرموده پیغمبر ﷺ تأمل کنیم: خدا رحمت کند بنده‌ای را که شبانگاه از خواب برخیزد و نماز بخواند و همسرش را بیدار کند تا نماز بخواند و چنانچه خودداری کند [و یا کسالت بورزد] آب به صورتش بپاشد، و رحمت خدا بر زنی که شبانگاه برخیزد و نماز بخواند و شوهرش را بیدار کند تا نماز بخواند و چنانچه خودداری کند [و یا کسالت بورزد] آب به صورتش بپاشد»^۱.

رابطه بین زوجین، رابطه دنیایی مادی و یا حیوانی شهوانی نیست، بلکه رابطه روحی ارزشمندی است که چنانچه رابطه درستی باشد بعد از فوت به آن دنیا نیز سرایت پیدا می‌کند: ﴿جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ﴾ [الرعد: ۲۳]. «(این عاقبت نیکو) باغ‌های جاویدان بهشت است که هم خودشان وارد آن می‌شوند و هم پدران و همسران و فرزندان صالح آنها».

۲- معاشرت نیک و پسندیده:

آنچه باعث حفظ این رابطه و محافظت از آن می‌شود معاشرت پسندیده می‌باشد و این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه هر یک از زوجین به حقوق و وظایف خود آشنا باشند. و باید توجه کرد که کمال خواهی در خانواده و اهل بیت امر دشواری است و آرزوی اینکه همه صفات پسندیده در آنها و یا غیر آنها نیز، باید باشد یک بلندپروازی است که در سرشت بشری وجود دارد.

نقش شوهر در محافظت از زندگی خانوادگی و معاشرت پسندیده:

۱- این حدیث، حدیث صحیحی است که امام احمد در «المسند» ۲/۲۵۰، ۴۳۶ و ابوداود (۱۳۰۸) و نسائی (۲۰۵/۳) و ابن ماجه (۱۳۳۶) روایت کرده‌اند و ابن خزیمه (۱۱۴۸) و حاکم (۳۰۹/۱) آنرا صحیح دانسته‌اند و ذهبی با ایشان موافق بوده است.

عقل سالم و اندیشه پخته حکم می‌کند که آدمی باید بعضی از سختی‌ها و فشارها را به صورت یک امر طبیعی بپذیرد. و از بعضی از امور ناخوشایند چشم‌پوشی کند و مرد - که آقای خانه است - باید صبورتر از همسرش باشد زیرا می‌داند که همسرش در حُلق و در حُلُق ضعیف می‌باشد و چنانچه به خاطر هر مسأله‌ای مورد محاسبه قرار گیرد از انجام همه چیز باز می‌ماند و عاجز می‌گردد، و زیاده‌روی در راست گردانیدن وی باعث شکستن وی می‌شود و همانا شکستن وی، طلاق دادنش می‌باشد. پیغمبر برگزیده‌ای که از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید ﷺ می‌فرماید: «زن را به نیکی سفارش کنید زیرا آنها از استخوان پهلوی خلق شده‌اند و خمیده‌ترین قسمت استخوان پهلوی، قسمت بالایی آن است، اگر بخواهی آن را راست گردانی می‌شکند و اگر آن را به حال خود واگذارید همیشه کج و خمیده باقی می‌ماند بنابراین آنان را به نیکی سفارش کنید»^۱.

پس کجی اصل خلقت زن است و باید با او صبر پیشه کرد.

بنابراین مرد خانه نباید با هر احساس ناخوشایندی که نسبت به اهل و عیالش به او دست داد، برافروخته شود، بلکه باید از بعضی از جوانب نقص در آنان چشم‌پوشی کند و حتماً باید جوانب خوب آنها را به خاطر بیاورد که قطعاً این جوانب بسیارند.

و پیغمبر ﷺ در این مورد فرموده است: هیچ مرد مؤمنی نباید به خاطر اینکه یک حُلُق و خوی ناپسند از همسرش می‌بیند او را برنجاند و ناراحت کند زیرا اخلاق دیگری نیز دارد که مورد پسند او باشند»^۲.

۱- این حدیث را امام بخاری (۵۱۸۶) و امام مسلم (۱۴۶۸ و ۵۹ و ۶۰) نقل کرده‌اند.

۲- این حدیث را مسلم در صحیحش (۱۴۶۹) نقل کرده است.

آری، مرد باید در این موارد آرام و خونسرد باشد و چنانچه کاری را ببیند که نمی‌پسندد باید بداند که هیچ کس اسباب خیر و نیکی و موارد صلاح خویش را نمی‌داند. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۱۹]. «و با آنها بطور شایسته معاشرت کنید، اگر به جهاتی از همسران خود رضایت کامل نداشته باشید و بر اثر اموری آنها در نظر شما ناخوشایند باشند (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید و تا آنجا که قدرت دارید مدارا کنید، زیرا ممکن است شما در تشخیص خود گرفتار اشتباه شده باشید) و ای بسا آنچه را نمی‌پسندید خداوند در آن خیر و برکت و سود فراوانی قرار داده باشد».

چنانچه آقای خانه درشت‌خو، بد معاشرت، تنگ‌نظر و احمق باشد و عجله او را کور نموده، رضایتش به سختی فراهم شود و به سرعت خشمگین گردد، وقتی در خانه است منت بگذارد و وقتی بیرون است بدگمان باشد دیگر راحتی چه جایگاهی و آرامش و محبت چه معنی خواهند داشت. پس گفته شد که حسن معاشرت و اسباب خوشبختی جز در پرتو نرمخویی و بدور از اوهام و بدگمانی‌های بی‌اساس ایجاد نمی‌شود و غیرتی که برای بعضی باعث بدگمانی است شخص را به تأویل سخنان و شک در رفتار [همسرش] گرفتار می‌سازد و باعث تیره شدن زندگی و نگرانی بی‌مورد می‌شود.

فائده: حافظ ابن حجر: چنین می‌گوید: این حدیث اشاره می‌کند به راست گردانیدن زن به نرمی به گونه‌ای که در این کار مبالغه نشود چون نتیجه آن شکستن زن (طلاق) است و نباید او را به حال خود واگذاریم که بر کجی‌اش مستمر باشد. و ضابط و معیار این امر چنین است: که زن به حالت کجی و اعوجاج رها نشود به گونه‌ای که باعث تجاوز از حدود طبیعت و سرشت ضعیف وی گردد و دامن به گناه آلوده کند و یا ترک واجبات کند و بلکه در مورد امور مباح به حالت کجی و اعوجاج باقی بماند. نگا: فتح الباری ۲۵۴/۹.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ﴾ [الطلاق: ۶]. «و بدیشان زیان نرسانید تا در تنگنایشان قرار دهید».

ما باید چگونه باشیم در حالی که پیغمبر ﷺ می‌فرماید: «بهترین شما، بهترین تان برای خانواده‌اش می‌باشد، و من نسبت به خانواده‌ام از همه بهترم»^۱.

نقش همسر در محافظت از زندگی خانوادگی و معاشرت پسندیده

زن مسلمان نیز باید در مقابل بداند که خوشبختی، محبت و مهربانی کامل نمی‌شود مگر با عفت و دینداری، باید حقوق خود را بشناسد و از آن تجاوز و تعدی ننماید، آنچه را شوهر می‌خواهد انجام دهد زیرا او قوام [و مدبّر امور] خانواده است، از همسر صیانت و محافظت نموده و نفقه‌اش را می‌پردازد، بنابراین اطاعت او و حفظ مال و ناموسش واجب است. در این صورت است که شوهر کارش را به درستی انجام می‌دهد و انگیزه‌ای برای آن می‌یابد و به همسر و خانه‌اش اعتنا می‌کند. در این صورت زن، کار خانه را بطور کامل انجام داده و به خود و خانواده رسیده، و همسری نیکوکار و مادری مهربان است، نگهبان خانه شوهرش بوده و در قبال آن مسئول است، به کار خوب شوهرش اعتراف می‌کند و بزرگواری و معاشرت پسندیده او را نادیده نمی‌گیرد. پیامبر ﷺ از این بی‌توجهی همسر نسبت به شوهر بر حذر داشته و فرموده‌اند: «آتش جهنم به من نشان داده شد [و دیدم] که اکثر جهنمیان زنانند که کفر ورزیده و حقیقت را پوشانده بودند». گفته شد: آیا به خدا کفر ورزیده بودند؟ فرمودند: «نه، بلکه به خانواده خود کفر ورزیده

۱- این حدیث صحیح را ترمذی (۳۸۹۲)، ابن ماجه (۱۹۷۷) و ابن حبان (۱۳۱۲) روایت کرده‌اند.

بودند، زیرا اگر با یکی از آنان [همسرت] روزگار طولانی نیکی کنی سپس کار [ناپسندی] از تو سر بزند، گوید: هرگز خیری از تو ندیده‌ام»^۱.

بنابراین باید نسبت به اشتباهات گذشت نشان داد، و از لغزش‌ها چشم پوشید، ... [همسر] هنگامیکه در کنار شوهرش است بدی در حق او روا ندارد و چون از او دور شد به او خیانت نکند.

به این شیوه رضایت دوطرفه حاصل و زندگی توأم با الفت و محبت و مهربانی سیادت خواهد یافت. «و چه بسا زنی که می‌میرد درحالی که شوهرش از او راضی است [و به همین خاطر] وارد بهشت می‌شود»^۲.

پس ای امت اسلام! تقوای خدا پیشه کنید و بدانید سعادت در پرتو سازگاری فراهم می‌شود و به علاوه فضای مناسب برای تربیت و رشد فرزندان در خانواده‌ای شایسته و مملو از مودت و آباد به خاطر تفاهم، در دامان مهربانی مادر و تلاشگری پدر فراهم می‌آید، فضایی که از فریاد اختلافات و کشمکش‌ها بدور و از تجاوز هر یک از طرفین بر دیگری در امان است بنابراین نه جدایی به آن راه دارد، نه کشمکش و نه بدی نسبت به هیچ کسی.

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ

إِمَامًا﴾ [الفرقان: ۷۴]

«پروردگارا! همسران و فرزندانی به ما عطا فرما که باعث روشنی چشمانمان گردند، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان».

۱- امام بخاری: این حدیث (۵۱۹۷) را نقل کرده است.

۲- این حدیث را ترمذی (۱۱۶۱) نقل و حدیث حسن دانسته و نیز ابن ماجه (۱۸۵۴) نقل کرده و همچنین حاکم (۱۷۳/۴) نقل و صحیح شمرده است.

خاتمه

برادر مسلمان! خواهر مسلمان!؛ صلاح خانواده راه امنیت کل جامعه است و بعید است جامعه‌ای اصلاح شود در حالی که ریسمان‌های [روابط] خانوادگی‌اش سست باشند.

آری، چگونه این امر ممکن است در حالی که خداوند به خاطر نعمت کانون خانواده و الفت و یکپارچگی آن مَنّت گذارده و می‌فرماید: ﴿وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ اَفَبَاَلْبَطِلِ يُؤْمِنُوْنَ وَبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُوْنَ﴾ [النحل: ۷۲]. «خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد، و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌ها قرار داد، و (خداوند) از پاکیزه‌ها به شما روزی داد، آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را انکار می‌کنند».

زوجین و ریسمان علاقه و پیمان مابین آن دو، و والدین و پسران و دختران در حال پرورش در دامان آن دو، حال و آینده امت اسلامی را تشکیل می‌دهند، به همین خاطر شیطان، چنانچه موفق شود یک خانواده را از هم بپاشد، تنها یک خانه را ویران نکرده و باعث شر و فتنه کوچکی نشده، بلکه جمیع امت را در اذیتی شعله‌ور و فتنه‌ای دامنه‌دار گرفتار ساخته، و واقعیت امروزی بهترین شاهد این مسأله است.

بنابراین رحمت خدا بر مردی که سیره پسندیده و سرشتی پاک دارد، ساده گیر، نرمخو، با نرمش و مهربان است، نسبت به اهل و عیالش رئوف و در کارش با اراده است، دچار افراط و مرتکب بدخویی نمی‌شود و در مسئولیتش کوتاهی نمی‌کند.

و رحمت خدا بر زنی باد که عمداً اشتباه نمی‌کند، زیاد خشمگین نمی‌شود، نیکوکار، پرهیزگار و در غیبت شوهرش از ناموس او نگهداری می‌کند.

ای زوجها! پرهیزگار باشید، و ای مسلمانان! تقوای خدا پیشه سازید زیرا هر کسی تقوی پیشه کند خداوند کارهایش را ساده می گرداند.

و درود و سلام خدا بر بهترین مخلوقاتش، پیغمبر ما، محمد ﷺ و بر آل آن حضرت و همسران پاک و پاکیزه اش و نیز بر اصحاب پربرکت و نیک بختش و همچنین درود و سلام خدا - تا روز قیامت - بر کسانی باد که به نیکی از آنان تبعیت می کنند.

سبحانك اللهم وبحمدك، وأشهد أن لا إله إلا أنت استغفرك وأتوب إليك.

رسالهٔ دوم: اختلافات زوجین

حمد و سپاس برای خداوندی که آفرید و برابر گردانید، و اندازه گرفت و هدایت کرد و به راه آورد. او را سپاس و ستایش می‌کنم و همو در ابتدا و در انتها شایسته تمجید است. و شهادت می‌دهم که هیچ خدایی بحق جز خدای یگانه وجود ندارد و او بی‌شریک می‌باشد. و شهادت می‌دهم به اینکه مولا و پیغمبر ما، محمد، بنده و فرستاده او، پیغمبری برگزیده و بنده‌ای منتخب است. درود و سلام و برکات خدا بر او و آل و اصحاب او و بر کسانی که دعوت او را اجابت کنند و پیروان راه او باشند، اما بعد:

یکی از بزرگترین نعمت‌ها و آیات خدا اینکه خانواده را محل آرامش و آسایش قرار داده است، در سایه آن جانها به محبت، مهربانی، مصونیت و پاکی و زندگی ارزشمند و پوشیدگی [در برابر گناهان] می‌رسند. و در دامان آن نوزاد پرورش می‌یابد، وقایع ترقی می‌کنند، نسبت‌های خویشاوندی استوار می‌گردند و عهد و پیمان کفالت محکم می‌شوند.

روانها با همدیگر مرتبط و قلب‌ها در هم می‌آمیزند: ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ﴾ [البقرة: ۱۸۷]. «آنان لباس شمایند و شما لباس آنانید».

و در این روابط ناگسستنی و خانواده‌های آباد خصال ارزشمند رشد می‌کنند و مردانی پرورش می‌یابند که برای سپردن بزرگترین امانتها به آنان شایسته‌اند و زنانی تربیت می‌شوند که بر استوارترین اصول پا می‌گیرند.

اسباب اختلاف بین زوجین

البته همچنانکه واقعیت زندگی بشر و طبیعت او - چنانکه خدا خلق کرده و خود بر مخلوقاتش عالم‌تر است - نشان داده، حالت‌هایی بر او عارض می‌شود که سفارشات بی‌تأثیر می‌شوند و محبت و آرامش نمی‌تواند در آن رسوخ کند، به گونه‌ای که چنگ زدن به ریسمان زوجیت باعث اذیت و مشقت شده، مقصود ازدواج تحقق نمی‌یابد و خیر و صلاح فرزندان شکل نمی‌گیرد. این حالات اضطراب و ناسازگاری می‌تواند علتها و اسباب داخلی و یا خارجی داشته باشد.

این اختلافات گاهی از دخالت غیرحکیمانه اولیا و نزدیکان زوجین، و یا از دخالت در همه امور کوچک و بزرگشان ناشی می‌شود و گاهی کار به جایی کشیده می‌شود که اولیا و بزرگان زوجین می‌خواهند مهربانی آن دو با یکدیگر را با سیطره یافتن بر آنان از بین ببرند، که کار به دادگاه‌ها کشیده می‌شود و در نتیجه اسرارشان فاش و پرده‌های [پوشاننده‌شان] کنار زده می‌شوند و این همه به خاطر مسأله کوچک و یا چیز بی‌ارزشی بوده که دخالت نامناسب و دوری از حکمت، عجله و شتاب، تصدیق شایعه‌ها و شایعه‌پردازان آن را به اینجا کشانده است.

و گاهی اختلاف از کمی بصیرت در دین و جهل به احکام باگذشت شریعت، فزونی رسم‌های نادرست و پیروی از افکار و ایده‌های رایج نشأت می‌گیرد.

مثلاً بعضی از شوهران گمان می‌کنند که تهدید به طلاق و یا تلفظ آن راه‌حل صحیحی برای رفع اختلافات خانوادگی و مشکلات زن و شوهر است و برای گفتگو با همسرش جز الفاظ طلاق چیز دیگری نمی‌دانند، درآمد و شد، در امر و نهی و بلکه در همه امورش جز این الفاظ چیز دیگری نمی‌دانند. غافل از اینکه با این کار آیات خدا را به سخره گرفته، کارشان گناه، خانه‌اشان نابود و اهلشان را از دست می‌دهند.

ای مسلمانان! آیا این فهم دین است؟

طلاق سنت [به شیوه‌ای که شارع اجازه داده] و شریعت آن را جایز شمرده، برای بریدن ریسمان زوجیت نیست و بلکه تشریح آن برای به تأخیر انداختن جدایی است و دوره‌ای برای آرامش یافتن، تدبّر در مسأله و معالجه و حل مشکل موجود.

﴿لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرَجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ﴿۱﴾ فَإِذَا بَلَغَ الْأَجَلَ نَاقِمَتِهَا فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾ [الطلاق: ۱-۲].

«زنان را (بعد از طلاق، در مدت عده) از خانه‌هایشان بیرون نکنید. و زنان هم (تا پایان عده از منازل شوهران‌شان) بیرون نروند، مگر اینکه زنان کار زشت و آشکاری انجام دهند. اینها قوانین و مقررات الهی است و هر کسی از قوانین و مقررات الهی پافراثر نهد و تجاوز کند به خویشتن ستم می‌کند. تو نمی‌دانی چه بسا خداوند بعد از این حادثه، وضع تازه‌ای پیش آورد * و هنگامی که مدت عده آنان به پایان رسید یا ایشان را به طرز شایسته‌ای نگاه دارید و یا به طرز شایسته‌ای از ایشان جدا شوید».

این طلاق است که از طرف شارع وضع شده و بلکه مسأله به همین محدود نشده بلکه در طلاق سنت [سنتی] این راه آخر برای حل مشکل بوده و قبل از آن انواع پیشگیری باید مراعات شوند.

راه‌های حل اختلاف بین زوجین

برادر مسلمان! خواهر مسلمان!

چنانچه نشانه‌های اختلاف و علایم ناسازگاری و نافرمانی آشکار شد طلاق و یا تهدید به طلاق راه حل نیست. مهم‌ترین چیزی که برای حل مشکل لازم است: صبر و تحمل، شناخت اختلاف در احساسات و نظرات و تفاوت

در خلق و خوی می باشد به همراه ضرورت تسامح و چشم پوشی از تعداد زیادی از مسایل، چرا که خیر و مصلحت همیشه در آن چیزی نیست که دوست داریم و آرزو می کنیم، بلکه چه بسا خیر و صلاح در چیزی باشد که نمی خواهیم و دوست نداریم: ﴿وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۱۹]. «و با زنان خود بطور شایسته معاشرت کنید و اگر هم از آنان کراهت داشتید (شتاب نکنید و زود تصمیم به جدایی نگیرید) زیرا که چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد».

و زمانی که خللی [در روابط] آشکار شود و روابط فرسایش یابد و نافرانی زن و تجاوز از حد و حدود خود و میل به عدم انجام وظیفه از جانب زن مشاهده گردد به گونه ای که الفبای نفرت، کوتاهی در ادای حقوق شوهر و بی توجهی به فضایل وی دیده شود راه حل این مشکل در اسلام چه به - صراحت و چه به کنایه - طلاق نمی باشد. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۳۴]. «و زمانی که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید، پند و اندرزشان دهید و (اگر مؤثر واقع نشد) از همبستری با آنان خودداری کنید (اگر باز هم مؤثر واقع نشد) آنان را بزنید پس اگر شما را اطاعت کردند راهی برای (تنبيه) ایشان مجوید (و بدانید که) بیگمان خداوند بلند مرتبه و بزرگ است».

راه حل پند و توجیه کردن و بیان اشتباه وی و یادآوری حقوق [طرفین] و ترساندن از خشم و غضب الهی است با طی طریق فرزاندگی و تحمل و وقار در ترغیب و ترهیب.

و دوری از همسر در بستر و تنبیه او، در مقابل تجاوز وی از حدود خود و نافرمانی اش می باشد. باید توجه کرد که خدا فرموده «فی المضجع» در

بستر از آنان دوری کنید و نه فرموده «عن المضجع» به معنی پرهیز از همبستر شدن با آنان.

آری، این دوری، دوری در بستر است و نه ترک منزل و نه دوری در جلوی چشمان خانواده و فرزندان و نه در برابر بیگانگان.

هدف از این کار حل مشکل است و نه شهرت یافتن و یا خوار کردن (طرف مقابل) و نه کشف اسرار و استار^۱. که در برابر نافرمانی و تجاوز، دوری و تنبیه ضمانت حفظ و برابری هستند.

گاهی راه حل مشکل به مقداری قساوت و خشونت نیاز دارد زیرا گروهی از مردم وجود دارند که برای اصلاحشان معاشرت به نیکی و نصیحت مهربانانه کفایت نمی‌کند، اینان گروهی هستند که به خاطر مهربانی و بردباری زیاد با ایشان دچار طغیان شده‌اند. چنانچه قساوت را ببینند سرکشی‌شان رام و جوش و خروششان آرام می‌شود.

آری، گاهی پناه بردن به مقداری خشونت دوای سودمندی است، و چرا از آن استفاده نشود در حالیکه طرف مقابل به ادای وظیفه‌اش بی‌توجه بوده و از سرشتش تجاوز کرده است؟

نزد هر عاقلی یک امر بدیهی است که قساوت، چنانچه باعث بازگرداندن نظام خانواده و روابطش باشد و الفت و محبت را به آن بازگرداند از طلاق و جدایی بدون نزاع بهتر است. پس این یک راه حل ایجابی و معنوی و برای تأدیب است، نه برای سختگیری و انتقام، و استفاده از آن فقط برای اصلاح نافرمانی و رفع نگرانی است.

در مقابل چنانچه زن از ستم و رویگردانی شوهرش ترسید، در قرآن راه‌حل برایش قرار داده شده: ﴿وَإِنْ أُمْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ

إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ
الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾

[النساء: ۱۲۸]. «هر گاه همسری دید که شوهرش (نسبت به او بدی می کند و) او را آزار می دهد و یا (از او) رویگردان است، بر هیچیک از آن دو گناهی نیست میان خویشتن مصالحه کنند و صلح بهتر است».

راه حل صلح و آشتی است و نه طلاق و جدایی و این، البته مقتضی گذشت از بعضی از حقوق مالی [مادی] و شخصی است برای حفظ نکاح.

«وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» صلح بهتر است از جدایی، ستم، نافرمانی و طلاق.

برادر مسلمان! خواهر مسلمان! آنچه گذشت بیان سریع و یادآوری اجمالی جنبه‌ای از جوانب فهم دین خدا و حرکت بر آن منهج است. ولی مسلمانان چقدر از این حقیقت دورند؟

حکم قرار دادن دو نفر در اختلافات بین زوجین کجا رفته است؟ چرا اصلاح گران از این راه حل منصرف شده‌اند؟ آیا به خاطر زهد در اصلاح درون است و یا رغبت در از هم گسیختن خانواده و پراکندگی فرزندان؟ جز ستم، سفاهت و نادانی، دوری از خوف الهی و مراقبت از آن، ترک بسیاری از احکام و به بازیچه گرفتن حدود الهی چیز دیگری دیده نمی‌شود. ابن ماجه و ابن حبان و غیره از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند که فرمود: حال کسی که با حدود خدا بازی کند چگونه خواهد بود: (مکرراً به همسرش) بگوید: تو را طلاق دادم، ... مراجعه نمودم؟ آیا حدود خدا به بازی گرفته می‌شود در حالی که من بین شما هستم»^۱.

آخرین راه حل اختلافات زوجین

هرگاه همه راه‌های حل اختلافات با شکست مواجه شد و ماندن در آن زندگی سخت و ناخوشایند شد بگونه‌ای که باعث تحقق اهداف و حکمت‌های ارزشمندی که خدا در ازدواج قرار داده، نشد. خداوند از باب ساده‌گیری در قانونگذاری و جامعیت احکام گریزگاهی را برای این تنگنا قرار داده، ولی متأسفانه اکثر مسلمانان از طلاق به شیوه درست [و سنتی] که شریعت اجازه داده بی‌خبرند و لذا همیشه الفاظ طلاق را بر زبان می‌رانند بدون مراعات حدود خدا و شریعت او.

طلاق در حال حیض حرام است، سه طلاق با هم حرام است و طلاق در حال طهر [حالت پاکی مابین دو حیض] بعد از نزدیکی حرام است و همه این انواع، طلاق‌های بدعتی و حرام می‌باشند که صاحب آن مرتکب گناه شده است، با این وجود بنابر صحیح‌ترین رأی از علماء طلاق واقع می‌شود. ولی طلاق مباح [و سنتی] که بر مسلمانان واجب است آن را بدانند بدین‌گونه است که در طهری که نزدیکی روی نداده و یا به هنگام حامله بودن، همسرش را یک طلاق واحد بدهد.

طلاق به این شیوه راه‌حل است، زیرا مدت زمان محدودی را در حالت بریدگی زوجین از هم فراهم می‌کند که در آن آرامش و مراجعه مجدد فراهم می‌شود.

مرد طلاق دهنده به شیوه‌ای که گذشت باید مدت زمانی را که طهر طول می‌کشد منتظر بماند، چه کسی می‌داند: درونها تغییر می‌کنند و قلب‌ها بیدار می‌شوند و خدا هر کاری را که اراده کند واقع می‌سازد.

و مدت زمان عده - عده زن حائضه یا عده به حساب ماهانه و یا عده وضع حمل زن حامله - فرصتی است برای بازگشت دوباره و حساب و کتاب، در این مدت ریسمان محبتی که پاره شده و رابطه زوجیتی که از هم پاشیده

می‌تواند اصلاح گردد.

و آنچه که مسلمانان نمی‌دانند اینک: زنی که طلاق داده شده - طلاق رجعی - باید در خانه شوهرش بماند، نه اجازه خروج دارد و نه کسی اجازه اخراج او را دارد. بلکه خداوند آن خانه را خانه او - یعنی زن طلاق داده شده - به حساب آورده: ﴿لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ﴾ [الطلاق: ۱]. «آنها را از خانه‌های خودشان بیرون نکنید».

و این اسلوب برای تأکید حق اقامت آنها در آن منزل است، زیرا اقامت آنها در منزل شوهرشان راهی است برای مراجعه دوباره، و گشایش امیدی است برای برانگیخته شدن عواطف دوستی و یادآوری زندگی مشترک. همسر در این حالت به خاطر حکم طلاقی که گرفته دور به نظر می‌رسد ولی نزدیک و جلوی چشمان شوهر است.

و آیا این قانون جز آرام کردن طوفان و برانگیختن درون و بازگشت به جایگاه اصلی و آرامش در بررسی احوال خانه و فرزندان و شئون خانواده هدف دیگری دارد: ﴿لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾ [الطلاق: ۱]. «تو نمی‌دانی، چه بسا خداوند بعد از این حادثه، وضع تازه‌ای پیش آورد».

پس ای مسلمانان! تقوای خدا پیشه کنید و از اهل بیتتان محافظت نمائید و احکام دینتان را بیاموزید، حدود خدا را اقامه، و از آن تجاوز نکنید و [روابط] فیما بین را اصلاح نمایید.

خداوندا! فهم دین و بصیرت در شریعت به ما ارزانی دار و ما را از هدایت کتابت سودمند گردان و به ما توفیق حرکت بر مسیر پیغمبرت ﷺ را عطا بفرما.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه وسلّم